

فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه.....
۱۹.....	فصل اول: کلیات و تنبیهت مواضع
۱۹.....	مبحث اول: روند تصویب آیین نامه.....
۲۴.....	مبحث دوم: تعاریف و اصطلاحات.....
۲۴.....	گفتار اول) کانون وکلای دادگستری.....
۲۷.....	گفتار دوم) مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه.....
۳۱.....	گفتار سوم) صندوق حمایت وکلا.....
۳۴.....	گفتار چهارم) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.....
۳۶.....	مبحث سوم: لازم الاجرا شدن آیین نامه.....
۳۹.....	مبحث چهارم: اصل آزادی اراده قراردادها.....
۴۱.....	مبحث پنجم: تعیین حق الزحمه کمتر از تعرفه.....
۴۷.....	مبحث ششم: لزوم درج رقم حق الوکاله و ممنوعیت ذکر «طبق تعرفه».....
۵۲.....	مبحث هفتم: حق الوکاله وکلای متعدد.....
۵۵.....	مبحث هشتم: وکالت در توکیل و تکلیف تمبر مالیاتی.....
۵۵.....	گفتار اول) چگونگی اعطای اختیارات توسط وکیل مع الواسطه.....
۵۶.....	گفتار دوم) مفهوم تفویض وکالت با سلب حق توکیل به غیر.....
۵۷.....	گفتار سوم) تاثیر عدم ذکر ولو کراراً بعد از اعطای حق توکیل به غیر.....
۵۷.....	گفتار چهارم) عدم استحقاق حق الوکاله به وکیل دوم.....



- گفتار پنجم) تفاوت وکالت رسمی و دادگستری در توکیل به غیر ۵۸
- گفتار ششم) تخصیص مقررات تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ۵۸
- مبحث نهم: توزیع حق الوکاله بر اساس مراحل رسیدگی ۶۲
- فصل دوم: اشکالات قانونی آیین نامه ۶۵
- مبحث اول: ایراد قانونی در مقام تصویب کننده ۶۶
- مبحث دوم: ایراد قانونی در مقام پیشنهاد کننده ۷۰
- گفتار اول) انحصار مرجع پیشنهاد کننده در کانون وکلای دادگستری ۷۰
- گفتار دوم) لزوم مداخله همه کانونهای وکلای دادگستری در ارائه پیشنهاد ۷۱
- مبحث سوم: تخصیص بی دلیل قانون مالیاتهای مستقیم ۷۲
- مبحث چهارم: تناقض آیین نامه با مواد قانون وکالت و نظامنامه مربوطه ۷۳
- مبحث پنجم: عدم پیش بینی حداقل تعرفه در برخی موارد ۷۴
- گفتار اول) عدم تعیین حداقل تعرفه در دادرهای انتظامی ۷۴
- گفتار دوم) عدم تعیین حداقل تعرفه در حق الزحمه خدمات حقوقی ۷۵
- مبحث ششم: حذف افزایشهای خاص تعرفه حق الوکاله ۷۵
- مبحث هفتم: عدم پیش بینی امکان افزایش یا کاهش حق الوکاله در فرایند رسیدگی و مکانیسم آن ۷۶
- فصل سوم: نوآوریهای آیین نامه جدید ۷۷
- مبحث اول: حذف جرم انگاری ۷۷
- مبحث دوم: تجویز همکاری وکلای کانون با مرکز ۷۸
- مبحث سوم: محرومیت از اعمال مقررات تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیاتهای مستقیم ۷۹
- مبحث چهارم: انجام وکالت تبرعی ۸۰
- گفتار اول) تشخیص طبقات و درجات قرابت ۸۲
- گفتار دوم) اثبات تبرعی بودن وکالت ۸۳
- گفتار سوم) عدم محکومیت محکوم علیه به پرداخت حق الوکاله ۸۳
- مبحث پنجم: وکالت در مراجع شبه قضایی و غیرقضایی ۸۴



۸۴	گفتار اول) وکالت در مراجع انتظامی
۸۶	گفتار دوم) وکالت در اداره ثبت اسناد و املاک و شرکتهای
۸۷	گفتار سوم) وکالت در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی
۹۱	گفتار چهارم) وکالت در دیوان محاسبات
۹۱	گفتار پنجم) وکالت در دیوان عدالت اداری
۹۲	گفتار ششم) وکالت در سازمان تعزیرات حکومتی
۹۳	گفتار هفتم) وکالت در داسرا و دادگاههای انتظامی
۹۴	گفتار هشتم) تعیین حق الوکاله در مراجع شبه قضایی و غیرقضایی
۹۵	مبحث ششم: الزام ارائه وکالت نامه در وکالت تسخیری و معاضدتی
۹۹	گفتار اول) تغییر حدود اختیارات
۹۹	گفتار دوم) عدم امکان تنظیم وکالت نامه در رسیدگی غیابی به اتهام
۱۰۰	مبحث هفتم: پرداخت حق الوکاله در شروع کار
۱۰۱	مبحث هشتم: افزایش میزان تعرفه حق الوکاله
۱۰۴	مبحث نهم: تعیین حق الوکاله مازاد برای وکالت تخصصی
۱۰۶	مبحث دهم: حق الوکاله دعاوی منتهی به صلح و سازش
۱۱۳	مبحث یازدهم: تغییر مکانیسم محاسبه حق الوکاله در دعاوی مالی
۱۱۴	مبحث دوازدهم: احتساب حق الوکاله در صورت انقضاء موضوع وکالت
۱۱۶	مبحث سیزدهم: تفکیک مراحل رسیدگی کیفری در خصوص میزان حق الوکاله
۱۱۷	گفتار اول) رسیدگی دو مرحله ای (تحقیقات مقدماتی و رسیدگی)
۱۱۷	بند اول) مرحله تحقیقات مقدماتی (داسرا)
۱۱۸	بند دوم) رسیدگی (دادگاه)
۱۱۸	الف) دادگاه بدوی
۱۱۸	ب) مرجع تجدیدنظر
۱۱۹	گفتار دوم) تداخل تحقیقات مقدماتی در رسیدگی
۱۱۹	بند اول) دادگاههای بخش
۱۲۰	بند دوم) دادگاههای کیفری



- اول) جرائم افراد زیر ۱۵ سال..... ۱۲۰
- دوم) جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت..... ۱۲۱
- سوم) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت..... ۱۲۱
- چهارم) جرایم رئیس جمهور..... ۱۲۱
- بند سوم) رسیدگی قطعی..... ۱۲۱
- مبحث چهاردهم: تعیین حق الوکاله بر مبنای تعداد اتهام..... ۱۲۳
- گفتار اول) تشخیص جرم اشد..... ۱۲۴
- گفتار دوم) تعدد متهمین..... ۱۲۴
- گفتار سوم) تعدد شکات..... ۱۲۴
- مبحث پانزدهم: صدور گواهی ابطال تمبر مازاد با قید مبلغ مازاد..... ۱۲۵
- گفتار اول) مختومه شدن پرونده..... ۱۲۶
- گفتار دوم) استفاده از تمبر در دعوی دیگر..... ۱۲۸
- گفتار سوم) ضرورت استفاده بالمباشره..... ۱۲۸
- گفتار چهارم) نظارت استطلاعی قاضی شعبه..... ۱۲۸
- گفتار پنجم) کسر تمبر مالیاتی از حساب مودی..... ۱۲۹
- گفتار ششم) عدم تعیین تکلیف سهم صندوق و کانون و مرکز..... ۱۲۹
- مبحث شانزدهم: انتقال تمبر به ورثه و قائم مقام قانونی..... ۱۲۹
- مبحث هفدهم: تعیین سقف حق الوکاله برای وکلای موضوع تبصره م ۴۸..... ۱۳۱
- مبحث هجدهم: اخطار رفع نقص در موارد نقص تمبر..... ۱۳۱
- الف) گزارش پرونده..... ۱۳۴
- ب) نظریه نماینده دادستان کل کشور..... ۱۳۶
- ج) رأی وحدت رویه شماره ۲/۷/۱۳۹۸-۷۸۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور..... ۱۳۸
- مبحث نوزدهم: اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان..... ۱۴۰
- مبحث بیستم: یکسان سازی حق الوکاله در پرونده‌های دولتی و شرکت‌های دولتی با بخش خصوصی..... ۱۴۱
- مبحث بیست و یکم: الزام به پرداخت سهم مرکز..... ۱۵۱

۱۵۲.....	مبحث بیست و دوم: تغییر در نحوه پرداخت هزینه سفر.....
۱۵۵.....	فصل چهارم: میزان تعرفه حق الوکاله.....
۱۵۶.....	مبحث اول: مکانیسم‌های تعیین تعرفه.....
۱۵۶.....	گفتار اول) سیستم مبتنی بر تعیین درصد بهای خواسته.....
۱۵۷.....	گفتار دوم) سیستم تعیین رقم ریالی مشخص.....
۱۵۸.....	گفتار سوم) سیستم مبتنی بر اساس درجه اهمیت دعوا.....
۱۵۹.....	گفتار چهارم) سیستم تعیین بنحو تناسب.....
۱۶۰.....	گفتار پنجم) سیستم مختلط.....
۱۶۰.....	مبحث دوم: تعرفه حق الوکاله و حق الزحمه وکیل.....
۱۶۱.....	گفتار اول) بر مبنای نوع دعوی.....
۱۶۱.....	بند اول) وکالت در دعوی حقوقی.....
۱۶۴.....	الف) دعوا با بهای خواسته قطعی.....
۱۶۴.....	ب) دعوی با بهای خواسته نامعین.....
۱۶۵.....	بند دوم) وکالت در دعوی کیفری.....
۱۶۷.....	الف) خلاف: جزای نقدی تا ۵۰۰ تومان یا حبس تأدیبی تا ۶۰ روز.....
۱۷۱.....	اول) جرائم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری یک، نظامی یک و دادگاه انقلاب: ...
	دوم) جرائم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های کیفری دو و نظامی دو و اطفال و
۱۷۲.....	نوجوانان:.....
۱۷۲.....	بند سوم) وکالت در دعوی طاری.....
۱۷۴.....	بند چهارم) تعرفه حق الوکاله در قرارهای قانونی.....
۱۷۵.....	بند پنجم) وکالت در دعوی خانوادگی، غیرمالی و امور حسبی.....
۱۷۶.....	اول) دعوی خانوادگی.....
۱۷۷.....	دوم) دعوی امور حسبی.....
۱۸۱.....	سوم) دعوی غیرمالی.....
۱۸۳.....	گفتار دوم) تعرفه حق الوکاله بر مبنای مرجع رسیدگی.....
۱۸۳.....	بند اول) وکالت در شورای حل اختلاف.....



- بند دوم) وکالت در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت..... ۱۸۷
- بند سوم) وکالت در مراجع شبه قضایی ۱۹۳
- اول) دادرسی و دادگاه انتظامی قضات..... ۱۹۳
- دوم) دادرسی و دادگاه انتظامی وکلای دادگستری..... ۱۹۹
- سوم) تعرفه حق الوکاله در دادرسی و دادگاه‌های انتظامی سایر مراجع..... ۲۰۲
- چهارم) سازمان تعزیرات..... ۲۰۳
- پنجم) هیئت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرمایی..... ۲۰۴
- بند چهارم) دیوان عدالت اداری..... ۲۰۷
- گفتار سوم) بر مبنای مراحل رسیدگی..... ۲۰۸
- بند اول) مراحل کیفری..... ۲۰۹
- بند دوم) مراحل حقوقی..... ۲۰۹
- بند سوم) مراحل اجرای حکم..... ۲۰۹
- اول) اجرای احکام دادگستری (حقوقی و کیفری)..... ۲۱۰
- دوم) اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت..... ۲۱۲
- سوم) اجرای احکام دادرسی انتظامی و شبه قضایی..... ۲۱۴
- بند چهارم) مرحله وخواهی..... ۲۱۴
- بند پنجم) رسیدگی در دیوان عالی کشور..... ۲۲۰
- اول) رسیدگی حقوقی در مقام فرجامخواهی..... ۲۲۱
- دوم) رسیدگی کیفری در مقام فرجامخواهی..... ۲۲۲
- سوم) رسیدگی در مقام اعاده دادرسی کیفری..... ۲۲۶
- چهارم) رسیدگی در مقام اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری..... ۲۲۸
- پنجم) رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات رئیس جمهور..... ۲۳۰
- گفتار چهارم) بر مبنای نوع وکالت..... ۲۳۱
- بند اول) وکالت تعیینی..... ۲۳۱
- بند دوم) وکالت معاضدتی و تسخیری..... ۲۳۱
- بند سوم) وکلای موضوع تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری..... ۲۳۲



۲۳۳	گفتار پنجم) حق الوکاله در موارد تعیین نشده.....
۲۳۳	بند اول) عدم تعیین حداقل تعرفه.....
۲۳۳	بند دوم) رسیدگی به جرایم خلاف شان روحانیون.....
۲۳۴	بند سوم) رسیدگی به تخلفات رییس جمهور در دیوان عالی کشور.....
۲۳۵	بند چهارم) ارسال اظهارنامه از طرف موکل.....
۲۳۶	مبحث سوم: تعرفه ارائه خدمات حقوقی.....
۲۳۶	گفتار اول) تنظیم لوائح.....
۲۳۷	گفتار دوم) مشاوره حضوری.....
۲۳۸	گفتار سوم) مطالعه پرونده.....
۲۳۹	مبحث چهارم: تعرفه هزینه سفر.....
۲۴۰	گفتار اول) داخل استان.....
۲۴۰	گفتار دوم) خارج از استان.....
۲۴۰	گفتار سوم) خارج از کشور.....
۲۴۱	فصل پنجم: مقررات انتظامی.....
۲۴۱	مبحث اول: تعاریف و اصطلاحات.....
۲۴۲	مبحث دوم: مفهوم مسئولیت انتظامی.....
۲۴۵	مبحث سوم: تفاوت مسئولیت کیفری با مسئولیت انتظامی.....
۲۴۵	گفتار اول) از لحاظ تشریفات رسیدگی.....
۲۴۶	گفتار دوم) از نظر مرجع رسیدگی.....
۲۴۶	گفتار سوم) از جنبه هدف.....
۲۴۶	گفتار چهارم) از لحاظ منبع.....
۲۴۶	گفتار پنجم) از جهت نوع مجازات.....
۲۴۷	مبحث چهارم: مبنای قانونی مسئولیت انتظامی وکیل دادگستری.....
۲۴۸	مبحث پنجم: جایگاه تخلفات انتظامی در آیین نامه تعرفه حق الوکاله.....
۲۴۸	گفتار اول) دریافت حق الوکاله اضافی.....
۲۵۲	گفتار دوم) شرکت در مدعی به.....



- گفتار سوم) تمرکز فعالیت وکالتی..... ۲۵۹
- گفتار چهارم) عدم پرداخت سهم کانون و مرکز و صندوق..... ۲۶۶
- گفتار پنجم) تخلف از نظامات..... ۲۶۸
- گفتار ششم) عدم ارائه رسید در قبال وجه حق الوکاله..... ۲۷۵
- گفتار هفتم) عدم رعایت صداقت در بیان رقم دقیق حق الوکاله..... ۲۸۱
- گفتار هشتم) عدول از تعرفه حق الزحمه وکیل..... ۲۸۸

آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر و کلای دادگستری (مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ قوه قضائیه)

۲۸۹.....

فهرست منابع و مآخذ..... ۳۰۳

- الف) قوانین و آیین نامه‌ها..... ۳۰۳
- ب) کتب و مجلات..... ۳۰۴
- ج) مقالات..... ۳۰۷
- د) سایتها و فضای مجازی..... ۳۰۸

avabook.com

مقدمه

شغل وکالت همیشه یکی از مشاغل بسیار محترم و مهم اجتماعی بوده و وکیل به عنوان وابسته قضایی در تأمین و اجرای عدالت وظیفه مهمی را داشته است. فعالیت، اطلاعات قضایی و استعداد وکیل همیشه برای خدمت گذاری به اشخاصی که شرف، ناموس، خانواده یا دارائی شان در معرض خطر است، آماده می باشد. وکیل دادگستری در عین حال کارگر مستقلى است که تابع هیچ کس و هیچ مقامی نبوده او امر کسی را، جز ندای وجدان خود و جامعه و کلاء اطاعت ننموده و فقط در مقابل وجدان خود و هم کاران مسئول می باشد.

شغل وکالت نه فقط اطلاعات به اصول قضایی و قوانین موجود موضوعه هر جامعه را لازم دارد بل که برای پی بردن به حقایق امور و تعیین علت حدوث آن نباید مانند یک نفر فیزیسین یا شیمیست که با موجودات غیر ذی روح سر و کار دارند فقط به اصول موضوعه و بدیهیات اولیه اکتفا نموده و هرگونه امری را مولود یک علت دانست و نسبت به تمام اشیاء آن را عموم داد بل که برعکس وکیل مواجه با تجلیات زندگانی و یک سلسله تمایلات گوناگون و منازعات و مناقشات افراد هیئت اجتماع بوده که برای کشف و اثبات حقایق باید به پیدایش و تکوین آن پی برد. روابط و علائق و بستگی هایی که امور و قضایا را به هم مرتبط می سازد در نظر گرفته و از مجموع کیفیات عوامل مکونه قضایا و امور را استنتاج نماید.

به هر حال این طور نتیجه می گیریم که وکالت شغلی است شریف و قدیمی و از اول، بشر به آن آشنایی داشته و به مرور سیر تکاملی نموده تا به مرحله امروزی خود رسیده است و امروزه وکیل در دنیای کنونی و این جنجال و تراحم منافع باید علاوه بر معلومات عمومی با احاطه به فرهنگ عمومی (Culture general) تمام قضایا را نزد خود حل و فصل نموده و در میدان تراحمات و منازعات و هوی و هوس ها و شهوات لا تعد و لا تحصای انسانی جهان کنونی خود را در بالای این میدان قرار داده و با کمال احاطه و دانش و عقل و درایت و از روی کمال بی غرضی و بدون آرایش و پیرایه و با کمال وجدان قضاوت صحیح نموده صلاح و فساد آن ها را سنجیده پس از سنجش آن



طرفی که روی حق و حقیقت بود قبول نموده و از آن دفاع و وکالت نماید و تنها به مواد جامد و خشک قوانین پرداخته و قشری نباشد و گرنه در قبال قضایای جدید و تحولات روز افزون دنیای سیاسی و اقتصادی کمیت او لنگ و وا خواهد ماند بل که باید هر روز با آخرین حربه زمان مجهز بوده باشد تا بتواند از حق موکل و هم نوع مظلوم و مصدوم خود دفاع نماید و با ترقیات آنی جهان که یک اصل مسلمی است هم دوش و قرین باشد.^۱

وکیل دادگستری هر واژه و نوشته‌ی خود را در جای خود و با دقت عمل بیش‌تر باید مورد استفاده قرار دهد. هنگامی که جریان و روند پرونده‌ی وکیلی مدت زمانی به داراز می‌کشد او مجبور است خود را هم چنان در حال و هوای پرونده نگاه‌داری کند. روح و روان خود را با آن آمیخته کند، اما ضمناً مجبور است به موازات آن به سایر تکالیف شغلی خود نیز پردازد و اهمالی در آن نکند. همین وضعیت و حالات، متفاوت بودن وکالت و مخصوص به خود بودن، شغل و حرفه وکالت را از سایر شغل‌ها و حرف به عینه نشان می‌دهد، از این رو هر پردازش جدی به آن ملازمه با وقوف عمیق به روان‌شناسی این شغل خواهد داشت.

وکالت دادگستری موجودیتی غیرقابل انکار در جامعه امروز است. جهان امروز این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمی‌توان به لزوم وکیل در یک جامعه مدنی تردید کرد. اگر جامعه به وجود وکیل احساس نیاز می‌کند، که می‌کند، باید این الزام هم در او باشد که بتواند زندگی او را به صورت واقعی تامین نماید. وکالت همانگونه که هنر است، شغل هم هست و وکیل راهی ندارد که از این ممر، امرار معاش نماید، فلذا حق دارد در مقابل کاری که انجام می‌دهد دستمزدی نیز دریافت کند، اما آن چه مهم است تناسب کار انجام شده و دستمزد دریافت شده است که همواره محل مناقشه سه ضلع این واقعیت اجتماعی است: وکیل، موکل، هیئت حاکمه. بر اساس اصولی همچون آزادی اراده و اصل لزوم قراردادهای آن چه بین وکیل و موکل در قبال حق الوکاله توافق می‌گردد، معتبر است لکن همواره چشم‌هایی، افکاری و انتقاداتی به طرف او متمرکز است. قراردادهای خصوصی منعقد شده بین وکیل و موکل ولو بر اساس اصل آزادی قراردادهای همواره از صافی‌های متعددی همچون قضاوت اجتماع عبور داده می‌شود و نهایتاً در معرض نقدهای بی‌مورد و یا به جا قرار می‌گیرد. او در مقابل چشمان انتقادگر ایرادگیر تحت نظارت دایم است و گاهی قراردادهای خصوصی فی‌مابین

^۱. سرشار، محمود، وکالت دعوی، مجله کانون وکلا، جلد ۱، سال اول، خرداد ماه ۱۳۲۷، ص ۳۱ الی ۳۴.

وکیل و موکل آن چنان کانون تمرکز دلسوزان قرار می‌گیرد که نتیجه آن هجمه‌های بی‌مورد به نهاد وکالت را در بر داشته و وکلای شریف را در کانون توجه نهادهای نظارتی و خصوصاً نظام مالیاتی کشور می‌کند. بدین جهت او باید بدون ترس و وا همه و حساسیت و بدون این‌که فکر مغلوبیت را به خود راه دهد این مسابقه را به سرانجام برساند و در قبال حق الوکاله گاهاً نگرفته، وظایف شعلی خود را با حفظ شرافت آن چنان به سرمنزل مقصود برساند که بعد از انجام امر، موکل دیروز خود را به دشمن فردای خود تبدیل نکند.

بالاخره پیرو مناقشات، انتقادات و پیشنهادات فراوان که در خصوص تعرفه حق الوکاله وکیل وجود داشت بعد از ۱۴ سال آیین نامه تعرفه حق الوکاله وکیل روزآمد گردید و و آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ رییس قوه قضائیه) در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۹ ابلاغ گردید و از تاریخ ابلاغ نیز اجرایی شد و تمامی آیین نامه‌های مرتبط پیش از آن ملغی اعلام گردید.

اگرچه موضوع حق الوکاله همواره در رتبه فروع مسائل و دغدغه‌های نهاد مدنی وکالت و آرمانهای مد نظر وکلای دادگستری بوده و هست، لکن واقعیاتی از قبیل ضرورت تامین معاش متناسب و درخور شان وکلای مدافع، ضرورت انطباق حق الوکاله با شاخصهای مالی و اقتصادی، ضرورت رفع خلاء جبران واقعی خسارات قابل مطالبه محکوم له دعوی (در بخش حق الوکاله وکیل) به موجب احکام قضائی، ضرورت وجود معیار شخصی و واقعی محاسبه مالیات بر درآمد و مسدود نمودن باب تعیین مالیاتهای علی‌الراس و سلیقه‌ای و... تحول و به روز رسانی این باب را به‌عنوان یکی از درجه نیازمندی‌های جامعه وکالت تبدیل نموده بود.^۱

در ابتدای آیین نامه بدین مطلب اشاره شده است که «بنا به پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز...» هرچند صرف استفاده از نظرات کانون وکلای دادگستری مرکز بر خلاف صراحت مقرر در ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال است لکن ظاهراً کانون وکلای دادگستری مرکز نقش مهمی در تدوین این آیین نامه داشته باشند و مسموعات نیز حاکی از آن است که موضوع تدوین تعرفه جدید در دوره ۲۸ هیات مدیره کانون وکلای مرکز آغاز شد و در دوره ۲۹ توسط کارگروهی متن

^۱ . وکیل عباس گرامیان، عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری استان ایلام، به نقل از سایت کانون وکلای دادگستری استان ایلام.



پیشنهادی به هیات مدیره تقدیم که به تصویب رسید و جهت تصویب نهایی رئیس قوه قضائیه به قوه ارسال شد. رئیس وقت قوه متن پیشنهادی کانون را به معاون اول خود ارجاع و ایشان موضوع را به اداره کل بررسی ها ارجاع که آنجا کارگروهی تشکیل شد و از کانون وکلان نیز نماینده ای در آن حضور داشت که طی چند جلسه متن با جرح و تعدیل نهایی شد و بعد از تایید معاون اول وقت قوه قضائیه برای تصویب نهایی به دفتر رئیس قوه ارسال شد. در دفتر رئیس قوه متن ارسالی به احد از مشاوران رئیس ارجاع که اصلاحاتی در آن اعمال نمود و سپس با تغییر رییس قوه، کارگروه دیگری هم به دستور رییس قوه مامور بررسی نهایی متن شد. ظاهراً در این مرحله نماینده مرکز مشاوران هم به جمع اضافه شد و متنی که نهایتاً امروز در اختیار وکلای قرار گرفته، بالاخره بعد از ۱۴ سال تصویب شد. متن مصوب دارای ابداعات و نوآوری‌هایی است که مبتنی بر تجربه ناشی از چندسال اجرای تعرفه قبلی بوده و موجب حل بخشی از معضلات مالیاتی هم‌کاران خواهد شد و آثار مثبت آن بزودی هویدا خواهد شد لکن نقاط ضعف زیادی نیز در آن مشاهده می‌گردد که در طول بحث بدان خواهیم پرداخت و برخی مطالب آن چنان اساسی و مهم هستند که باید به نقش وکلای در تدوین این آیین نامه شک کرد از جمله تعارض تبصره ماده ۶ آیین نامه با تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

هر چند برخی و ابلاغ این آیین نامه را در اولین روزهای سال ۱۳۹۹ را عیدی ریاست محترم قوه قضائیه برای وکلای دادگستری تلقی می‌نمایند لکن در نگاهی دیگر، ابداعات و نوآوری‌هایی این آیین نامه چنان ریز و دقیق به مسائل مالی نگریسته است که نمی‌توان تنظیم آن را تمام قد بر مبنای سیاست حمایتی از نهاد وکالت و وکلای دادگستری دانست، چرا که افزایش تعرفه حق الوکاله که به ظاهر به نفع وکلای دادگستری است، در آن سوی سکه، از توان موکل را در رجوع به وکلای دادگستری می‌کاهد و شیرینی و حلاوت افزایش تعرفه هیچ گاه نمی‌تواند آن گونه که باید در وضعیت معیشت و اقتصاد وکلای دادگستری کارساز باشد، شکی نیست که آیین نامه تارنمای ۱۴ ساله هرگز پاسخ‌گوی رابطه مالی وکیل و موکل نبود، لکن هرگز نباید از نظر دور داشت که در آن سوی قرارداد حق الوکاله وکیل، موکلی قرار دارد که برای خرید خدمت وکیل دادگستری، میزان تعرفه قانونی برایش در درجه اول قرار دارد.

آیین نامه جدید^۱ با تمامی نوآوری‌های خود دارای نقاط ضعفی است که در این مجموعه بر آن شدیم تا با شرح مواد این آیین نامه و مقایسه و تطبیق آن با آیین نامه‌های سابق و مقررات فعلی شغل وکالت، ابتدا به بررسی مفاهمی کلی مندرج در آیین نامه و تطبیق مواضع قبلی آیین نامه قبلی در آیین نامه حاضر پرداخته (فصل اول) و سپس با مذاقه در مواد آیین نامه جدید اشکالات قانونی ناشی از اجرای مفاد آن را تبیین نموده (فصل دوم) و با بیان نوآوری‌های مطروحه و شرح مواد مربوط و مرتبط، (فصل سوم) نهایتاً به شرح و تبیین تعرفه‌های تعیین شده بر مبنای مراحل رسیدگی و نوع دعاوی و مراجع رسیدگی پرداخته (فصل چهارم) و نهایتاً با تطبیق مقررات آیین نامه جدید با مقررات انتظامی سخنی در خصوص تخلفات انتظامی مبتنی بر عدم رعایت مفاد آیین نامه (فصل پنجم) سخن را به پایان خواهیم برد. از آن جا که ممکن است خوانندگان این مجموعه اشخاص غیرحقوقدان باشند، فلذا در ابتدای فصول و مباحث سعی شده است تا ابتدا مفاهیم و مصادیق به نحو بسیار خلاصه و ساده بیان گردد تا تشخیص آن برای خوانندگان غیرحقوقی نیز میسر باشد، هر چند این امر ممکن است موجب آزرده‌گی خاطر حقوق دانان خواننده این سطور گردد که از این جهت پیشاپیش عذرخواهیم.

امید است در انتهای این مجموعه هم‌کاران محترم بتوانند با تحلیل درست و منطقی مفاد این آیین نامه، مقررات مندرج در آن را نصب العین خود قرار داده تا مبدا عدم رعایت آن، منجر به تعقیب انتظامی و طرح مسائل مالیاتی برای هم‌کاران گردد.

از تمامی خوانندگان و هم‌کارانی که این مجموعه را مطالعه می‌نمایند عاجزانه درخواست داریم تا در صورت وجود نقص و یا اختلاف نظر، موارد اصلاحی را به حقیر منعکس نمایند تا در مراحل آتی نسبت به تکمیل و برطرف نمودن نواقص احتمالی اقدام و مجموعه ای کامل تقدیم عزیزان گردد.

^۱. چنانچه در ادامه بحث عبارت «آیین نامه جدید» درج گردید منظور آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ قوه قضائیه) و منظور از آیین نامه قبلی همان آئین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷) است.



در پایان از راهنمایی‌های مشفقانه همکاران عزیز در تکمیل این مجموعه نهایت سپاسگذاری را داشته و همت والای موسسه محترم انتشارات کتاب آوا را در انتشار کتب حقوقی قابل ستایش می‌دانیم.

والعاقبه للمتقين

مجتبی باری

اردیبهشت ۱۳۹۹

avabook.com

فصل اول: کلیات و تثبیت مواضع

مبحث اول: روند تصویب آیین نامه

همان گونه که به صراحت قانون (م ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری - مصوب ۱۳۳۳) مشخص و معین است، تعرفه حق الوکاله وکیل باید به پیشنهاد «با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری» تعیین گردد، هرچند در زمان تصویب این ماده قانونی کانون‌های به این تعداد تشکیل نشده بودند و وزیر دادگستری دارای اختیارات ویژه بود که قانون به آن مقام واگذار کرده بود، در خصوص این که چرا این آیین نامه به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است در سطور آتی سخن خواهیم گفت، لکن در حال حاضر تعدد کانون‌ها مانع از دریافت پیشنهاد آنها نخواهد بود و همان گونه که در متن آیین نامه تعرفه حق الزحمه وکلاء مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷ قید شده «به پیشنهاد کانون‌های وکلای دادگستری کشور و هیات اجرایی موضوع ماده ۲ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه» لکن در آیین نامه حاضر صرفاً به کانون وکلای دادگستری مرکز اشاره شده است یعنی این که سایر کانون‌های وکلا پیشنهادی ارائه نکرده و به صرف پیشنهاد کانون وکلای مرکز اکتفا شده است، که به نظر می‌رسد آغاز درستی در تدوین این آیین نامه نباشد هر چند هم کاران محترم مسئول در کانون وکلای دادگستری قطعاً دیدگاه‌های سایر کانون‌ها را مد نظر قرار داده لکن اجرای مَر قانون حداقل انتظار وکلای دادگستری است. نکته مهم دیگری که بر



خلاف صراحت قانون عمل شده این که در ماده ۱۹ صرفاً از «کانون» به عنوان مرجع پیشنهادکننده نام برده فلذا برای پیش‌نهاد «مرکز وکلا» جای‌گاهی پیش‌بینی نشده است.

آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله پس از سه سال بررسی و کار مشترک‌النهاییه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ به امضای رئیس محترم قوه قضائیه رسید و در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۹ در دبیرخانه قوه قضائیه ثبت گردید. از آن جا که کانون وکلای دادگستری مرکز (با همه ایرادات فوق‌الاشعار) پیش‌تاز متون پیش‌نهادی مفاد این آیین‌نامه بوده است لذا مسئولان امر به‌ترین گزارش دهندگان مراحل تصویب این آیین‌نامه خواهند بود.

صرف نظر از این که عنوان وکیل دادگستری به اعضای صاحب مجوز تاسیس موسسات حقوقی منبث از ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، محمل قانونی نداشته و کوششی در ایجاد مجموعه‌ای موازی با نهاد مستقل وکالت بوده است، سوالی که در ذهن متبادر می‌شود این است که آیا می‌تواند برای این دو مجموعه مستقل و با دو قانون مستقل، آیین‌نامه واحد صادر نمود یا خیر؟ آن هم برای دو مجموعه‌ای که یکی تحت نظر مستقیم قوه قضائیه بوده و دیگری مستقل از قوه قضائیه است و در فرضی که پاسخ منفی باشد علت غائی تجمیع دو آیین‌نامه در یک آیین‌نامه چیست؟^۱

بر اساس گزارشات ارائه شده در اجرای ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و مطالعه تعرفه در ادوار ۲۸ تا ۳۰ و طرح پیشنهاد به قوه قضائیه در دوره ۲۹ هیأت مدیره کانون مرکز، سه کارگروه تدوین آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله را شروع کرده بودند. پیش‌نویس آیین‌نامه در دوره ۲۹ هیأت مدیره تهیه و در تابستان ۱۳۹۶ در جلسات هیأت مدیره دوره ۲۹ ماده به ماده مورد بازبینی، بحث و بررسی و تایید قرارگرفت و سپس جهت تصویب به قوه قضائیه پیشنهاد شد. در پاییز همان سال، اولین کارگروه مشترک قوه قضائیه و کانون وکلای مرکز با حضور آقای دکتر پورنوری و آقای دکتر کامیار (اعضای کارگروه) در دفتر معاون محترم اول قوه قضائیه تشکیل گردید و با جلسات متعدد کارگروه، که صرفاً با حضور نمایندگان کانون مرکز و نمایندگان قوه قضائیه برگزار می‌شد، مواد آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله مورد بازبینی و بحث و کارشناسی دقیق قرار گرفت و در زمستان سال ۱۳۹۶ کارگروه متن را نهایی و جهت امضا از طریق دفتر معاون محترم اول قوه قضائیه به حضور رئیس محترم وقت قوه قضائیه، آیت‌الله آملی‌لاریجانی، ارسال کردند. منتظر تصویب

^۱ . سعادت نیا، رسول، تعرفه وکالت؛ یک آیین‌نامه، دو قانون، به نقل از خبرگزاری ایسنا، <https://www.isna.ir>

آیین نامه توسط قوه قضاییه بودیم که با آغاز دوره سی ام هیات مدیره جناب آقای دکتر امینی، ریاست محترم کانون متوجه شدند که در پیش نویس ارسال شده تغییراتی رخ داده و در آیین نامه، مقرراتی برای حق ورود و تفتیش دفاتر و کلا و افزایش ناچیز حق الوکاله و جرم انگاری پیش بینی شده بود. لذا مجدداً و با پیگیری رئیس محترم کانون مرکز و همکاری دفتر قوه، متن تغییر داده شده به امضای رئیس محترم قوه نرسید و نهایتاً کارگروه دیگری در دفتر قوه قضاییه تشکیل شد که جناب آقای دکتر عیسی امینی، جناب آقای دکتر پورنوری و جناب آقای قاسم کمیلی به عنوان نمایندگان کانون مرکز و جناب آقای دکتر بیگی (مشاور عالی قضایی رئیس قوه قضاییه) و جناب آقای محدث (مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه) در آن حضور داشتند. این کارگروه بررسی مجدد آیین نامه را در دستور کار خود قرار داده و پس از چندین جلسه طولانی آیین نامه ماده به ماده مورد کارشناسی، بحث و بررسی و تأیید کارگروه واقع شد و با کمک قوه قضاییه موارد نگران کننده فوق الذکر حذف گردید. از جمله تأکید رئیس محترم کانون وکلای مرکز و اعضاء کارگروه کانون در آن جلسه، پایین نگه داشتن حداقل حق الوکاله‌ها در کنار افزایش سقف بود تا از اجحاف به هم‌کاران بویژه وکلای جوان پرهیز شود. کارگروه سوم در یک سال اخیر ریاست جناب آیت‌الله رئیسی بر قوه قضاییه و در دفتر معاونت حقوقی قوه قضاییه و کمیسیون حقوقی قوه قضاییه بدو با حضور جناب آقای کمیلی و دکتر کارن روحانی و در ادامه با حضور مستمر جناب آقای کمیلی و نمایندگان قوه قضاییه و اساتید و قضات تشکیل شد. زحمات این کارگروه با تغییرات اندکی منتهی به پیش نویس اولیه شد که پس از آن و چند روز قبل از تصویب، تغییراتی در آن اعمال شده بود که با پی‌گیری رئیس محترم کانون مرکز، بخشی از آن حل شد و مآلاً به تصویب آیین‌نامه فعلی منتهی گردید. صرف نظر از تلاش برای نوآوری، کوشش بر این بود که انحراف و مسائلی در آن ایجاد نشود که بعدها معضل عمده‌ای برای همکاران ایجاد کند؛ خصوصاً مسائلی رخ می‌داد که در زمان مقتضی باید در مورد آنها بحث شود و لذا تلاش شد تا حتی الامکان از تصویب آنها جلوگیری به عمل آید تا وکلای گرامی به حقوق قانونی خود برسند. البته با توجه به فشار عمومی در بحث مالیات کشور، در واقع از جهت مالیات مشکلاتی بر هم‌کاران و البته کل مؤدیان کشور تحمیل شده است که باید